



تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰

فصلنامه علوم امنیتی

سال سوم * شماره یازدهم * پاییز ۱۳۹۸

نقش و جایگاه امنیت روانی در ایجاد ثبات و امنیت کشور

علیرضا مدنی

چکیده

امنیت از نیازها و انگیزه های اساسی انسان به شمار می رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است. امنیت در حقیقت حیاتی ترین نیاز بشری است تا جایی که می توان گفت اصول حکومتها، دولتها و نهادهای عمومی متأثر از همین نیاز بشری بوده است. به همین دلیل مقوله ی امنیت همواره متوجه همه اندیشمندان جوامع بوده است. از آنجا که جامعه به هدف تأمین آرامش و آسایش ایجاد می شود و نظام سیاسی مسئولیت تحقق آن را دارد، هرگاه جامعه ای احساس کند که خطراتی آرامش و آسایش را تهدید می کند، گرفتار ناامنی روانی می شود. امنیت روانی زمانی تأمین می شود که شخص از علل و عوامل اضطراب و تشویش در امان باشد؛ همچنین امنیت جمعی روانی، در زمانی تحقق می یابد که جامعه از عوامل تهدیدزا در امان باشد و از نظر آسایشی و رفاه اقتصادی عامل یا عواملی موجب ترس و وحشت از فقدان آن نشود. احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایینتر است. هر گونه تهدیدی نسبت به امنیت روانی جامعه به معنا و مفهوم تهدید سلامت جامعه و نابودی و متلاشی شدن هم گرایی و انسجام و در نهایت اساس انسانیت است؛ زیرا انسان پیش از آن که به شکم توجه داشته باشد، نیازمند امنیتی است تا دغدغه ی فکری و نگرانی نداشته باشد.

کلمات کلیدی: نقش و جایگاه، امنیت روانی، امنیت ملی، ثبات ملی.



بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهمتر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. انسان برای رسیدن به اهداف والی انسانی پس از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را تشکیل می دهد، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارد. امنیت یکی از نیازهای اولیه و غریزی بشر بوده، چنان که از دیر باز یکی از دغدغه های اساسی بشر، تأمین امنیت در حوزه های مختلف زندگی بوده است. بسیاری از جنگ ها و صلح ها برای تأمین و حفظ امنیت رخ داده و می دهد. لذا تضمین امنیت لازم و ضروری است، چرا که حیات انسان در گرو آن است و اختلال در ساز و کار آن موجب نا امنی و پریشانی احوال انسان خواهد بود و سلامت روانی او را به خطر خواهد انداخت.

بیان مسئله

با توجه به مفهوم امنیت ملی می توان به اهمیت این موضوع پی برد که برای هر کشور و جامعه ای لازم و ضروری است که به تهدیدات مختلف بشمار پیرامون خود اعم از تهدید جایگاه امنیت روانی که بعضاً ناشی از دشمنی دشمنان، حوادث غیرقابل پیش بینی و ناگزیر به وجود می آید توجه نماید و جهت اطمینان از اینکه امنیت روانی و ارزشهای بنیادین جامعه و ملت مورد تعدی قرار نگیرد وارد اقدامات پیشگیرانه و مقابله گرایانه با تهدیدات امنیت روانی و به تبع آن امنیت ملی شود.

مبانی نظری پژوهش

امنیت از نیازها و انگیزه های اساسی انسان به شمار می رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می رود و تشویش، اضطراب و نا آرامی جای آن را می گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که آبراهام مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می دهد (نویدی نیا، ۲۰۰۶).



آنچه مسلم است این که امنیت ملی به دنبال تولد دولت ملت (کشور) مطرح شد که ریشه آن به تولد دولت مدرن در قرن ۱۷ میلادی برمی گشت که این مفهوم نوظهور تحت عنوان (بقای ملی) مطرح شد. این مفهوم مانند دیگر مفاهیم در علوم انسانی دارای تعریف واحد و مورد قبول بیشتر صاحب نظران نیست. ریشه این عدم اتفاق نیز به تلاش افراد، گروه ها و کشورها در تلقی و برداشت متفاوت آنها از این واژه باز می گردد. شاید علت این عدم اتفاق گستردگی و کلیت اکثر مسایل و ارزش های انسانی، اجتماعی است که همگی تحت تاثیر این مفهوم قرار دارند. بر همین اساس مثلاً آرنولد ولفوزمی گوید "امنیت ملی نماد ابهام آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد". آلتایر بوکان نیز معتقد است "امنیت واژه ای است که معنای بسیاری دارد" و نیز بری بوزان می گوید "امنیت ملی را نمی توان به طور کلی بلکه تنها در مواردی مشخص می توان آن را تعریف کرد. با این احوال از نظر صاحب نظران در این مورد تعاریف مشخص تر و دقیق تری نیز مطرح شده است. مثلاً در دایره المعارف علوم اجتماعی این واژه چنین تعریف شده : توان یک ملت در حفظ ارزش های داخلی از تهدیدات خارجی (نویدی نیا، ۲۰۰۶).

تعریف امنیت

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده و در عین حال، سهلی است که شاید ارائه تعریفی همه پسند از آن غیرممکن باشد. سهل بدان علت که این واژه قبل از تعریف به وسیله همگان لمس و ادراک شده است و ممتنع هم از آن رو که ارائه تعریفی جامع و کامل از آن با توجه به شرایط موجود هر جامعه، دشوار و در مواقعی ناممکن است (یزدانی، ۱۳۸۹). همچنین این واژه از جمله واژه هایی است که به لحاظ برخی شباهتها، دارای مفهومی سیال، متنوع و صورتی متغیر بوده که گستره بسیار وسیعی در ابعاد مختلف فردی اجتماعی را شامل می شود. طبیعی است ارائه تعریفی کامل و جامع برای اینگونه مفاهیم، کاری دشوار است (بخشی، ۱۳۹۵). امنیت به معنای اولیه و ساده عبارت است از: صیانت نفس از خطرهای احتمالی که جان آدمی را تهدید می کند. اگرچه این واژه را بسیار مختلف و با در نظر گرفتن ابعاد و شرایط گوناگون در جامعه تعریف کرده اند، عنصر صیانت نفس و حفظ جان را اختیار می کند؛ امنیت شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرهای، تهدیدها و زیانهای ناشی از زندگی اجتماعی مورد حمایت جامعه قرار می گیرد. در واقع امنیت را به اطمینان و فقدان خوف تفسیر و تعریف و



ترجمه نموده اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک و شامل دو بعد ایجابی سلبی در تعریف امنیت است (خسروی، ۱۳۹۴). مفهوم امنیت چنان که مرسوم است، ارتباط بیشتری با دولت پیدا می کند تا با مردم. به این دلیل که در قرن هفدهم که سیستم متداول دولتها، با ظهور امنیت بین المللی آغاز شد، با ارجاع به نیازها و تمایلات دولتها شناخته شد و عمل کرد (نبوی، ۱۳۸۹).

امنیت ملی

براساس دیدگاه واقع گرایان واحد استاندارد مطالعه امنیت، دولت دارای حاکمیت و قلمرو است. در این دیدگاه از سه گونه تهدید امنیتی یاد می شود: تهدیداتی که متوجه ایده دولت اند، تهدیداتی که متوجه موجودیت فیزیکی و مادی دولت اند و در نهایت تهدیداتی که سازمان دولت را هدف قرار می دهند (تریف، ۱۳۸۱). آثار موجود در مورد امنیت و مطالعات امنیتی از تنوع گسترده ای برخوردار است. مک کین لای و لیتل چشم اندازهای متفاوت مطالعات امنیتی را در قالب دو گفتمان معرفی می کنند که در آن هر گفتمان دو موج وجود دارد؛ گفتمان اول گفتمان امنیت منفی است که در آن امنیت جنبه ای سلبی داشته و با نبودن تهدید تعریف می شود. موج اول در این گفتمان مطالعات سنتی است که بر قدرت نظامی تأکید می کند. در موج دوم مطالعات فراسنّتی جای می گیرد که معتقد به تعدد ابعاد امنیت است. گفتمان دوم گفتمان امنیت مثبت است؛ در این گفتمان، امنیت علاوه بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته ای ملی را نیز شامل می شود. موج اول در این گفتمان موج مطالعات مدرن است که با الگوگیری از طبیعت به طرح مفهوم امنیت برای جوامع انسانی می پردازند. در موج دوم این گفتمان که به مطالعات فرامدرن مشهور است، اصل بنیادین، پذیرش چارچوب دولت - ملت به مثابه الگوی اصلی است (مک کین لای، لیتل، ۱۳۸۰).

امنیت از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری، به موضوع امنیت یک نگاه جامع و ویژه دارند به طوری که در سالهای متمادی در بیاناتشان، زوایای این مسئله اساسی را مورد بررسی قرار داده اند که در ذیل به برخی از مهمترین بخشهای آن اشاره می شود.





«اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خالصه کنیم و مثال به دو، سه و حداکثر به چهار فصل برسد، یک فصل از این چند فصل، فصل امنیت است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می کند و نه شغل و درآمد فایده ای می دهد. امنیت که نبود، هیچ چیز نیست. امنیت، مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می کند؛ مثل مجموعه ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این، اهمیت امنیت است»^۱.

ابعاد امنیت

امنیت را در ابعاد و زوایایی مختلف می توان بررسی و تحلیل کرد. آنچه در اینجا به آن توجه می شود تقسیم آن به بعد عینی (امنیت واقعی) و بعد ذهنی (احساس امنیت) است.

بعد عینی

این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب ها و ناهنجاریهای اجتماعی در جامعه می پردازد که تغییرات در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می دهد. بی تردید تأثیر امنیت بر بزهکاری از دل مشغولیهای نظری و تجربی اهل نظر بوده و در این راستا کوششهایی هم انجام شده است. همه پژوهشهایی که در حوزه حاشیه نشینی و پتانسیلهای آن برای بزهکاری انجام شده مؤید این ادعاست. مهمترین شاخصهای این بعد از امنیت عبارت اند از:

۱- میزان آسیب های اجتماعی: منظور معضلاتی است که به کژکارکردی نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام اجتماعی برمی گردند و از سوی دیگر، در قانون برای آنها مجازات تعیین نشده است.

۲- میزان وقوع جرایم و بزهکاری: میزان کمی جرایم و بزهکاری در یک جامعه نشان دهنده میزان امنیت عینی در آن جامعه است.





۳- میزان آشفته‌گی های اجتماعی: آشفته‌گی اجتماعی یا آنومی اجتماعی به مرحله بحرانی آسیبها و جرایم اطلاق می شود که در این شرایط میزان آسیبها و جرایم از حدی طبیعی فراتر رفته و به مرحله بحرانی رسیده است.

۴- توان و مهارت و قدرت عمل پلیس در مقابله با جرایم و ناامنی: به هر اندازه که نیروهای پلیس در سطح جامعه با تکیه بر سه اصل سرعت، دقت و صحت بتوانند قدرت عمل خود را در مقابله با جرایم و ناهنجاریها نشان دهند، زمینه برای گسترش ناامنی کاسته می شود و فرایند جرم در حیطه کنترلی پلیس قرار می گیرد و در این شرایط فضای توسعه امنیت فراهم می گردد.

۵- هماهنگی نهادها و سازمانهای ذیربط در حوزه کنترل آسیبها و جرایم: از آنجا که آسیبها و به تبع آن جرایم در بستر کژکارکردهای سازمانهای مختلف یک نظام اجتماعی اعم از اقتصادی، فرهنگی، قضایی، انتظامی و امنیتی به وجود می آیند و گسترش پیدا می کنند، ضرورت این هماهنگی بیش از پیش نمایان می شود.

۶- از شاخصهای مهم و مورد استفاده برای موضوع امنیت امید به آینده است که خود محصول احساس امنیت از شرایط جامعه و احساس امنیت شرایط خانوادگی است. این شاخص در بررسی ارتباط امنیت و بزهکاری بسیار قابل اعتناست

بعد ذهنی

احساس امنیت پدیده ای روانشناختی اجتماعی است که ابعادی گوناگون دارد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیرمستقیم افراد از وضعیت محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورتهای گوناگون آن را تجربه می کنند. منابع تأمین کننده احساس امنیت برای آحاد و گروههای مختلف جامعه نیز متفاوت از یکدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذارند.

وجود دو چهره متفاوت عینی و ذهنی از امنیت سبب شده است ادبیات ناهمگنی حول این مفهوم شکل گیرد که برخی آن را عینی دانسته و صرفاً برای داشتن امنیت، تسلیحات نظامی را لازم می دانند و برخی دیگر آن را در توسعه اقتصادی و انسانی متوازن جامعه جست وجو می کنند (کلهر، ۱۳۸۸).





رشد اقتصاد و تجارت بین الملل، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، پیدایش سلاح های جدید باعث گستردگی مفهوم امنیت و خروج آن از محدوده نظامی شده به طوری که معنی قدرت علاوه بر شکل نظامی آن شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی و ارتباطی گردیده است (بخشی، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه در عمل امنیت ملی را ناظر بر تهدیدات موجود تعریف و تقسیم بندی می کنند توجه به گونه های مختلف تهدیدات در تقسیم بندی امنیت ملی مفهومی ضروری است. تهدیدات امنیتی گونه های زیاد و متنوعی را شامل می شوند که هر روز ممکن است به گونه های دیگری تقسیم و تکثیر شود. به عنوان مثال می توان تهدید ها را به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و منابع تقسیم کرد. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸). از طرف دیگر می توان ارزشهای هر جامعه را به چند قسمت عمده تقسیم نموده و از هم جدا کرد. به تبعیت از این تقسیم بندی ارزشها، امنیت ملی نیز به قسمت های جزئی تر تقسیم می گردد. به طور کلی پژوهشگران امنیت ملی را به چهار بعد نظامی، نرم افزاری، محیطی و اقتصادی تقسیم می کنند.

امنیت نظامی

درگیری مسلحانه و جنگ و خونریزی عمری به طول تاریخ بشریت دارد. ی همه ما با داستان قتل هابیل توسط قابیل که در ابتدای زندگی بشر بر روی کره خاکی رخ داده است آشنا هستیم. با تورقی کوتاه در کتب تاریخی می توان دریافت که تاریخ زندگی بشریت با جنگ بر سر مسائل مختلف گره خورده است. هرچند در برهه هایی از تاریخ این امید در میان دانشمندان و متفکران به جود آمده است که با توجه به پیشرفتهای انسانی دوران خونریزی تمام شده است. اما خیلی زود همه این امیدها به ناامیدی تبدیل شده است. به طور کلی مصونیت یک فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز فیزیکی مسلحانه به حقوق مشر وعش را امنیت نظامی می نامند (جهان بزرگی، ۱۳۸۸). امنیت نظامی قدیمی ترین بعد امنیت ملی است. در مقام بررسی بعد نظامی امنیت ملی، تأکید بر مسئله حفاظت مستقیم فیزیکی از قلمرو دولت و ساکنان آن فراتر رفته است. در مسئله دیدگاه ملی از امنیت نظامی، درحالی که توانایی جنگ کردن و پیروزی نظامی





در آن ، هنوز هم هدف محوری است ولی در بسیاری از کشورها، تأکید بر جنگ سنتی به سوی کشمکش غیر سنتی کم شدت معطوف شده است (ماندل، ۱۳۸۷).

امنیت نرم افزاری

امنیت نرم افزاری به طور کلی شامل امنیت سیاسی، اجتماعی فرهنگی یک جامعه است. البته باید به این نکته توجه داشت که در بسیاری از کتب و مقالات به جای استفاده از اصطلاح امنیت نرم افزاری، اصطلاح امنیت سیاسی اجتماعی به کاررفته است که در محتوافتاوت چندانی وجود ندارد. رابرت ماندل معتقد است که در دیدگاه ملی هدف از این بعد امنیت، حفظ حکومت و ایدئولوژی آن و نیز هویت خاص جامعه است. در حال حاضر بعد امنیتی مزبور با توجه به کاهش کنترل حکومتها بر جوامع خود، ظهور جنبشهای جدایی طلب فرو ملی، افزایش نیرو های نفوذکننده متقابل (به خصوص افزایش رو ز افزون مهاجرت و جریان حرکت پناهندگان) چهارچوبهای در حال تحول داخلی خارجی، تحرک فشارهای بی سابقه ای قرار دارد (ماندل، ۱۳۸۷). به طور خلاصه می توان امنیت نرم افزاری (در بعد ملی) را مصونیت یک ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی، فرهنگی اجتماعی مشروعش تعریف کرد. (خسروی، ۱۳۹۴).

امنیت محیطی

یکی از نامحسوس ترین و درعین حال جدیدترین ابعاد امنیت ملی در دید پژوهشگران این حوزه، بعد محیطی امنیت ملی است. محیط زیست از جنبه ای که می تواند موجبات تقویت بنیه های اقتصادی و سلامت جسمی روانی هر کشور را فراهم سازد، عاملی مطلوب و تقویت کننده در جهت اهداف امنیت ملی به شمار می آید (خسروی، ۱۳۹۴). برخلاف تصور عمومی، منابع اسلامی بسیار به این بعد پرداخته اند و قرآن و احادیث مملو از توصیه ها برای حفاظت از محیط زندگی و منابع موجود است. حتی می توان گفت که از نگاه اجتماعی، مفهوم اسراف که از مهمترین مسائل پرداخته شده در اسلام است، به همین حوزه مربوط است. به صورت تقریباً قطعی می توان گفت ارزشهایی مثل حفاظت از جنگلها، جلوگیری از تخریب لایه اوزون و گرم شدن زمین، مقابله با باران های اسیدی و ضایعات سمی، ارزش هایی جهان شمول و همگانی هستند که همه کشورها و حکومت ها علاقه دارند در این زمینه ها اقداماتی انجام دهند.





طبق پیش بینی بسیاری اندیشمندان تاریخ، چالشهای بزرگ امنیتی در آینده احتمالا با مسئله کمبود منابع به خصوص کمبود انرژی رابطه بسیار نزدیکی خواهد داشت (ماندل، ۱۳۸۷).

امنیت اقتصادی

می توان گفت که امنیت اقتصادی عبارت است از برقراری نظم بین عوامل اساسی کلیه مایحتاج معیشتی انسان، یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و در آمد اعضای جامعه، به طوری که نیازهای ضروری آن ها تأمین شود و آنها از فقدان یا حتی احتمال فقدان این ضرو ریات احساس خطر ننموده و آرامش آنها سلب نگردد (خسروی، ۱۳۹۴). برخی متفکران عرصه امنیت ملی معتقدند امروزه بعد اقتصادی امنیت ملی اهمیت بیشتری نسبت به سایر ابعاد دارد و این اهمیت به صورت روز افزونی در حال افزایش است. درگذشته اقتصاد از این نظر مهم بود که پشتوانه و یکی از مؤلفه های قدرت نظامی محسوب می شد. اما رفته رفته با اهمیت یافتن رفاه در جامعه و تبدیل شدن آن به یکی از ارزشهای حیاتی، اهمیت بعد اقتصادی امنیت ملی بسیار افزایش یافته است. یکی از تعاریف پذیرفته شده عمومی امنیت اقتصادی، تعریف رابرت ماندل است که معتقد است: امنیت اقتصادی یعنی مقدار تولید کالا و خدمات توسط یک کشور، تحت شرایط آزاد و عادی بازار، قابل عرضه در بازارهای بین المللی بوده و همزمان در آمد واقعی شهروندان را نیز افزایش دهد (ماندل، ۱۳۸۷).

امنیت روانی

اما امنیت درونی یا امنیت روانی، یکی از مهمترین فاکتور های زندگی سالم هر فرد است. با رشد صنعت و تکنولوژی و پیچیده تر شدن جوامع، روابط اجتماعی نیز دست خوش تغییرات شده و پیچیدگی های خاصی در آن پدید آمده است. همچنین متغیرهای تأثیر گذار بر امنیت روانی، نظیر شغل، طبقه اجتماعی، امید به زندگی، سیاست، عشق، اعتبار اجتماعی و بسیاری از موارد دیگری که می توانند امنیت روانی افراد را تضمین یا مختل نمایند. ساحت ها و حوزه های گسترده ای را به خود اختصاص داده اند (زارع، امین پور، ۱۳۹۰). مهمتر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است، که احساس امنیت روانی در آن





جامعه و حتی بعضی از کارشناسان احساس امنیت را در یک جامعه، مهمتر از وجود امنیت در آن می دانند. چون ممکن است در جامعه ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت ننماید. در این خصوص باید به بررسی مسایل فردی در زمینه امنیت پردازیم. هرچند بررسی این بعد از امنیت به معنای نادیده گرفتن سایر سطوح آن از جمله امنیت ملی و منطقه ای و یا بین المللی نخواهد بود. (مصباح، ۱۳۸۴). می توان گفت موضوع امنیت از فرد شروع شده و به خانواده و جامعه و در نهایت نظام بین المللی منتهی می شود. با این وجود باید گفت تأمین امنیت و احساس امنیت فردی در درجه اول به فرد برمی گردد و فرد ممکن است به دو دلیل احساس ناامنی نماید؛ یکی به دلیل عدم تربیت صحیح در خانواده که اساس و پایه شکل گیری شخصیت را تشکیل می دهد (ناامنی روانی) و دیگری ممکن است این احساس ناامنی به خاطر موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه باشد و فرد به خاطر وجود پاره ای از عوامل مخل امنیت در جامعه احساس ناامنی نماید. (مصباح، ۱۳۸۴). در سطح فردی احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم در آن جامعه برمی گردد و هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت پایینتر است. ولی این احساس ناامنی صرفاً منبعت از عدم وجود امنیت در یک جامعه نخواهد بود. ممکن است در یک جامعه امنیت وجود داشته باشد، لکن شهروندان آن احساس امنیت نکنند و بالعکس (مصباح، ۱۳۸۴).

امنیت روانی شامل دو نوع امنیت فردی و جمعی می شود. امنیت روانی جمعی زیرشاخه امنیت اجتماعی است. امنیت روانی زمانی تأمین می شود که شخص از علل و عوامل اضطراب و تشویش در امان باشد؛ همچنین امنیت جمعی روانی، در زمانی تحقق می یابد که جامعه از عوامل تهدیدزا در امان باشد و از نظر آسایشی و رفاه اقتصادی عامل یا عواملی موجب ترس و وحشت از فقدان آن نشود (صادقیان، ۱۳۸۷). از آنجا که جامعه به هدف تأمین آرامش و آسایش ایجاد می شود و نظام سیاسی مسئولیت تحقق آن را دارد، هرگاه جامعه ای احساس کند که خطرانی آرامش و آسایش را تهدید می کند، گرفتار ناامنی روانی می شود. ممکن است جامعه از نظر نظامی و انتظامی و اقتصادی در رفاه باشد و خطری بالفعل آن را تهدید نکند، ولی اگر خطری بالقوه را احساس کند، از نظر روانی دچار بحران می شود و رفتارهایی از خود بروز می دهد که می تواند نشانگر بحران





روانی و یا تشدید آن شود (صادقیان، ۱۳۸۷). برابر بررسیهای صورت گرفته، در زمینه امنیت روانی تحقیقات و پژوهشهای زیادی صورت نگرفته و مقالات متعددی که در این موضوع نگاشته شده، اغلب به صورت جامع به این موضوع نپرداخته اند و بیشتر با موضوع بهداشت روانی به این مهم اشاره داشته اند که در زیر به نتایج برخی از این مقالات اشاره می شود. در مقاله «امنیت روانی، اقتصادی» و اجتماعی سخن از نسبت جامعه دینی با امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی است. در این نوشتار برای امنیت اجتماعی دو ساحت بیرونی و درونی ترسیم می گردد. که در ساحت درونی، معنویت و امنیت روحی- روانی همچون پایه ی بنیادین امنیت اجتماعی شناخته شده است و در ساحت بیرونی مؤلفه و شاخصه هایی نظیر دستگاه قضایی مستقل، امید به آینده، قانونمندی رفتار و برابری و توازن در برخورداریها را برای تأمین و تحقق امنیت اجتماعی و سازوکار عمل آنها برشمرده و مورد ارزیابی قرار گرفته است (مصباح، ۱۳۸۴). در مقاله ی «قرآن و بهداشت روان» نویسنده سعی نموده به بررسی راهکارهایی برای تأمین بهداشت روانی که قرآن ارائه داده است بپردازد. راهکارهای شناختی مانند ایمان به خدا و راهکارهای رفتاری نظیر ازدواج و روابط اجتماعی (صادقیان، ۱۳۸۷). امنیت روانی این حس را در افراد ایجاد می کند که در محیطی بی دغدغه اظهارنظر کنند و از سرزنش شدن هراسی نداشته باشند.

پیشینه تحقیق

پروین زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان نقش امنیت روانی در اجتماع و جامعه انسانی و بررسی آن در حقوق ایران به این نتیجه رسیدند در جامعه امروز ایران و با توجه به ساخت اجتماعی آن مقوله امنیت روانی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و باید توجه داشت بسیاری از مشکلات و مفاسدی که جامعه امروز ما را تهدید می کند ریشه در موارد دیگری دارد، که حل آن به جز ریشه یابی مسائلی که مستقیماً امنیت روانی و اجتماعی افراد را تهدید می کند مقدور نمی باشد.

اسفندیاری (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نقش عملکرد خانواده و احساس امنیت روانی در شکل گیری احساس امنیت اجتماعی نوجوانان شهر سمنان به این نتیجه رسیدند که برآورده شدن نیاز به امنیت روانی و امنیت اجتماعی در درجه اول به



وجود امنیت در روابط مستحکم خانوادگی که در آن نگرش‌ها و رفتارها، هم‌جهت و قابل اعتماد باشند و به امنیت حاصل از محیطی صمیمی و آشنا بستگی دارد.

اهداف تحقیق

هدف از پژوهش حاضر نقش و جایگاه امنیت روانی در ایجاد ثبات و امنیت کشور است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر روش و ماهیت، روشی توصیفی-تحلیلی است

ابزار گردآوری داده‌ها

روش گردآوری به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع دست اول و دست دوم شامل کتب، نشریات تخصصی و مقالات مرتبط با حوزه امنیت و امنیت ملی است.

بحث و نتیجه‌گیری

از جمله حقوق مسلم مردمان جوامع لزوم تامین امنیت آنان توسط حاکمان آن جوامع است. حقی که بر سایر حقوق اساسی و مسلم مردم که بر گردن حاکمان است، سنگینی می‌کند و بدون وجود آن حصول سایر حقوق کاری عبث، بیهوده و اساساً غیر ممکن خواهد بود. در سایه امنیت است که ظرفیت‌های یک جامعه تمام و کمال نمود پیدا می‌کنند و رشد و تعالی آن جامعه در تمام زمینه‌ها پدیدار می‌شود. امروزه وقتی سخن از امنیت جامعه به میان می‌آید، به معنی عام کلمه بلافاصله به فکر امنیت کشور، مرزها و جان و مال افراد یک جامعه در اذهان تداعی می‌شوند. و اتفاقاً امروزه فارغ از سایر جوانب مهم تر امنیت بر این بخش از امنیت که به جای خود مهم و اساسی نیز می‌باشند، تاکید بسیار می‌شود. می‌دانیم انسان موجودی چند بعدی است. از ابعاد شناخته شده و بدیهی وجود انسان که امروزه به صورت علمی و عملی تثوریزه شده است، یک بعد جسمی و دوم بعد روانی انسان هاست. در اثبات اهمیت و رجحان بعد روان یا روح یا نفس انسان نسبت به بعد جسمی انسان نیاز به هیچ برهان پیچیده‌ای نمی‌باشد. روان انسان نیروی محرکه جسم است و در مقام تشبیه به مانند موتور و





نیروی پیشران خودرو است نسبت به بدنه آن. یک انسان بدون روان سالم بمانند خودرویی است بدون موتور فعال. در عصر حاضر اهمیت بعد روان آدمی و رعایت بهداشت آن، گوی سبقت از بهداشت ظاهری را ربوده است و همین امر می تواند موید این مطلب باشد که روان بعد اساسی وجود انسان است. بر اساس تعالیم ما هم جهت گیری احکام و دستورات الهی مترتب بر رشد و تعالی وجود باطنی انسانها یا بزبان ساده تعالی روح و روان بشریت است. از آن جهت است که فرموده اند: ما درون را بنگریم و حال را نی برون را بنگریم و قال را.

از آنجا که جامعه به هدف تامین آرامش و آسایش ایجاد می شود و نظام سیاسی مسئولیت تحقق آن را دارد، هرگاه جامعه ای احساس کند که خطرانی آرامش و آسایش را تهدید می کند، گرفتار ناامنی روانی می شود. ممکن است جامعه از نظر نظامی و انتظامی و اقتصادی در رفاه باشد و خطری بالفعل آن را تهدید نکند، ولی اگر خطری بالقوه را احساس کند، از نظر روانی دچار بحران می شود و رفتارهایی از خود بروز می دهد که می تواند نشانگر بحران روانی و یا تشدید آن شود. به عنوان نمونه پخش شایعات درباره مسائل اقتصادی و بازار سرمایه، ممکن است امنیت روانی جامعه را در حوزه اقتصادی تهدید کند. همچنین پخش شایعاتی در زمینه ناتوانی دفاعی کشور و جامعه می تواند امنیت آرامشی را به خطر اندازد و جامعه احساس ناامنی کند. خلاقیت و استعدادهای انسان در پرتو امنیت شکوفا می شود و دستیابی به کمالات انسانی برای او میسر می گردد. برای موضوع امنیت و اینکه چه بکنیم تا انسان یا انسانها دارای امنیت روانی باشند؛ باید در نظر بگیریم که عوامل مهم امنیت بر دودسته اند: «عوامل فردی» و «عوامل اجتماعی و حکومتی». در زمینه ی عوامل فردی باید توجه داشت که اگر انسان مقهور تکانه های نفسانی خود باشد؛ اگر خشم، شهوت، حرص، طمع، بخل و... بر او حکومت کند، هرگز به امنیت و آرامش دست نمیابد. در زمینه ی عوامل اجتماعی- حکومتی هم باید گفت که: یک دولت باثبات و مشروع و مقتدر بهترین منبع ایجاد امنیت است، ولی اگر خود دولت دچار مشکلاتی باشد؛ امنیت افرادش را دچار مخاطره می سازد. تهدیدات دولت یا ناشی از اجرای قوانین داخلی یا ناشی از اقدامات سیاسی- اداری مستقیم، علیه بعضی از افراد و گروههاست و یا ناشی از روابط خارجی دولت است. در هر صورت حکومت باید به جای اعمال قدرت و اختناق و دیکتاتوری، عامل اقتدار باشد و با تکیه بر مردم و مشروعیت و مقبولیت





خودش نه تنها ناامنی برای افراد ایجاد نکند؛ بلکه موجب امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد (گلزاری، ۱۳۸۹). جامعه همانند انسان، نیازمند امنیت کامل و جامع است. همانگونه که انسان در یک امنیت جامع انسانی میتواند احساس کند که از امنیت روانی برخوردار است، هر جامعه ای نیز در صورتی احساس امنیت روانی می کند که همه انواع امنیت را احساس کند و تهدیدی متوجه هیچ یک از امنیتهای آن نباشد. به سخن دیگر، امنیت روانی هر جامعه ای به تحقق امنیت همه جانبه و جامع و کامل بستگی دارد و هر تهدید و یا احساس تهدید و خطری میتواند امنیت روانی جامعه را مختل و یا با بحران مواجه کند (مولازاده، ۱۳۸۹). امنیت در حقیقت حیاتی ترین نیاز بشری است تا جایی که می توان گفت اصول حکومتها، دولتها و نهادهای عمومی متأثر از همین نیاز بشری بوده است. به همین دلیل مقوله ی امنیت همواره متوجه همه اندیشمندان جوامع بوده است. در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، «امنیت، یکی از اساسیترین واصلیترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهمترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیتهای یک کشور می تواند به درستی برنامه ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد. امنیت، یک مقوله اساسی است. امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت در همه محیطهای زندگی، امنیت فکری و معنوی و روانی، همه اینها جزو انتظارات مردم است. (مولازاده، ۱۳۸۹). با توجه به نکات ذکر شده باید گفت از میان مباحث امنیت، امنیت روانی یکی از مهمترین و درعین حال اساسی ترین موضوعات زندگی انسانها است که توجه به آن و تأمین آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. با توجه به اهمیت و حساسیت ویژه موضوع امنیت روانی در عصر کنونی و نگاههای متفاوت به این موضوع توسط دانشمندان، نتایج مطالعات و بررسیهای انجام شده حاکی از نگاه ویژه و جامع مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، بیش از سایر اندیشمندان و متفکران اسلامی به این موضوع مهم است. ایشان آنقدر به موضوع امنیت روانی اهتمام داشته اند تا جایی که به ریزترین جنبه ها توجه کرده اند و هیچ مطلبی را در این خصوص فروگذار ننموده اند. این مطلب به مقوله های این موضوع اشاره و تقریباً نشان می دهد که در بین انواع امنیت، موضوع امنیت روانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است (مولازاده، ۱۳۸۹).





بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آنها برقراری احساس امنیت را کند می کند یا مانع از تحقق آن می شود. بر همین اساس، شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت و احساس ایمنی از پیش شرطهای اساسی برای برنامه ریزی به منظور ارتقای سطح امنیت به شمار می رود و نقش زیادی در برنامه ریزیهای راهبردی دولتها دارد. برخی سیاست گذاری های دولتی و حکومتی که به تقلید از جوامع غربی شکل می گیرد، تهدید بزرگی برای امنیت روانی خانواده ها و متعاقب آن اجتماع تلقی می شود؛ سیاست هایی که وقتی خوب نگاه کنیم، می بینیم ریشه های تفکرات فمینیستی و لیبرال خواهی در آن موج می زند؛ در حالی که امنیت روانی خانواده متأثر از شخصیت زنان و مادران است. این گروه به دلیل ویژگی های شخصیتی و روانی بیش تر از مردان آسیب می بینند؛ در نتیجه عواقب آن به نظام خانواده و متعاقباً به اجتماع لطمه وارد می کند. متأسفانه بعضی سیاست های تقلیدی باعث می شود تا پایه و اساس امنیت روانی، به مخاطره بیفتد. از جمله ایجاد رشته های تحصیلی نامتناسب با روحیات و شخصیت زنان در دانشگاه ها، تحت عنوان مساوات زن و مرد، مانند مهندسی معدن، جوش کاری، مکانیک و... که با روحیات لطیف زنانه تناسبی ندارد و یا اشتغال زایی زنان به هر قیمت مانند رانندگی. در هر حال این گونه نگاه های فمینیستی به تقلید از جوامع غربی عواقب مطلوبی نخواهد داشت؛ زیرا زنان را از خصایص لطیف خدادادی به دور می کند و دیگر توانایی مدیریت روانی خانه و خانواده را نخواهند داشت و این یعنی هشدار برای سلامت خانواده و به دنبال آن جامعه. (گلزاری، ۱۳۸۹).

پر واضح است جامعه ی سالم پیش از آن که به آسایش نیاز داشته باشد، به امنیت روانی نیازمند است؛ زیرا در سایه ی امنیت و آرامش است که هر کار خرد و کلان شدنی و دست یافتنی است. از این روست که دغدغه ی امنیت در همه ی شاخه های آن به ویژه امنیت روانی و آرامش جمعی، مهم ترین مسئولیت دولت و خواسته ی ملت است. هر گونه تهدیدی نسبت به امنیت روانی جامعه به معنا و مفهوم تهدید سلامت جامعه و نابودی و متلاشی شدن هم گرایی و انسجام و در نهایت اساس انسانیت است؛ زیرا انسان پیش از آن که به شکم توجه داشته باشد، نیازمند امنیتی است تا دغدغه ی فکری و نگرانی نداشته باشد. به یک معنا انسان ممکن است برای رهایی از گرسنگی و تشنگی تن به خطر بدهد و امنیت جانی و مالی خویش را در معرض خطر قرار دهد؛ ولی سلب



امنیت روانی به حذف انسانیت ارتباط دارد؛ مقوله ای که دشمنان هر جامعه ای به سبب آگاهی از ارزش و اهمیت امنیت روانی جامعه، می کوشند به تخریب آن دست بزنند و با ایجاد بحران های گوناگون بستر مناسبی برای فروپاشی آن جامعه فراهم آورند (گلزاری، ۱۳۸۹). نکته آخر اینکه امروزه مردم بیش از آنکه از فقر و تنگدستی و ... بنالند، ازدست روان ناآرام، مشوش و ناایمن خود دررنج و مشقت اند. اگر امروزه خیل عظیمی از مردم از وضعیت اقتصادی و معیشتی قابل قبولی برخوردار نیستند، اگر امروزه بخش بزرگی از افرادی که در بخش های مختلف اقتصادی مشغول هستند، قادر به برنامه ریزی و فعالیت هر چند در بازه کوتاه مدت نیستند، اگر امروزه اقتصاد نابسمان کشور دمار از روزگار تمامی افراد جامعه از طبقه ضعیف اش گرفته تا مرفه اش درآورده، اگر امروز خیل عظیم جوانان بیکار چشم دوخته به جیب خالی پدر که بصورت بالقوه هزاران بار مخرب تر از تمام بمب های اتم هستند در حال پرسه زدن در کوچه و خیابان و فضاهای غیر حقیقی اند، اگر امروز کمتر کسی می تواند در زندگی خود برای نه که چند ماه یا سال آینده بلکه برای چند ساعت و روز آتی خود برنامه ریزی کند، اگر که روند صعودی قیمت ارز و سکه و قیمت متلاطم کالای اساسی و غیر اساسی نه که دغدغه پدران و مادران و جوانان بلکه دغدغه خردسالان هم شده، اگر روی یک کالا در یک روز قیمت های مختلف چاپ می شود، اگر مردم از ترس محو شدن دارایی خود به علت بیماری ریال به صف های خرید خودرو دلالی دلار روی آورده اند، اگر اخبار رنگارنگ اختلاس و زد و بند برخی ها نقل مجالس شده، اگر فاصله طبقاتی روز به روز در حال زیاد شدن اند، اگر جوانان نخبه کشور با فکر مهاجرت و رویای شیرین کار در شرکت های موفق خارجی به خواب می روند، اگر و اگر و اگر ... اگر تمام این "اگر ها" صحیح بوده باشند، متأسفانه بیانگر این واقعیت هستند که مردمان امروز جامعه ما دارای روان سالم و امنیت روانی لازم نیستند و حاکمیت در تامین این حق اساسی مردم مردود شده است. و اگر روح و روان بیمار افراد یک جامعه تیمار نگردد نمی توان به آینده چنین جامعه ای امیدوار بود.

پیشنهادهای

- ۱- پرداختن به موضوع امنیت روانی در مدارس و دانشگاهها و قرار دادن سرفصلی تحت این عنوان در متون درسی.
- ۲- لزوم بررسی تخصصی هرکدام از راهها و موانع ایجاد امنیت روانی به صورت مستقل و ویژه در مطالعات کاربردی.





۳ - پیرامون امنیت روانی در متون اسامی، قرآن کریم و دیدگاههای اندیشمندان اسلامی، تحقیقات و پژوهشهای بسیار محدود و اندکی صورت گرفته است. بنابراین با توجه به ظرفیت دینی و قرآنی جامعه علمی و همچنین نیاز کشور به این تحقیقات، لازم است مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، به طور ویژه و مجزا به موضوعات امنیت روانی بپردازند و نتایج آن را در اختیار جامعه علمی قرار دهند.



-اسفندیاری، حجت (۱۳۹۴). «بررسی نقش عملکرد خانواده و احساس امنیت روانی در شکلگیری احساس امنیت اجتماعی نوجوانان شهر سنندج»، **دانش انتظامی کردستان**، شماره ۲۲، صفحه ۱-۱۱.

-بخشی، عبدالله، (۱۳۹۵). **اطلاعات امنیت در کتاب و سنت**، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ انتشارات دانشکده اطلاعات.

-پروین زاده، رقیه و فاطمه پروین زاده (۱۳۹۴). **نقش امنیت روانی در اجتماع و جامعه انسانی و بررسی آن در حقوق ایران، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق**، میبد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

-تریف، تری؛ استوارت کرافت؛ لوسی جیمز و پاتریک مورگان. (۱۳۸۱). **روابط بین الملل و مطالعات امنیت ملی**. در شولتز، ریچارد و گودسن، روی و کوستر جرج. **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**. اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸). **امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مولفه ها)** چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

-خسروی، مرتضی (۱۳۹۴). **امنیت در قرآن (رویکرد تفسیری تبیینی)** چاپ اول، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی

-صادقیان، احمد. (۱۳۸۷). «قرآن و بهداشت روان»، **فصلنامه ی قرآن و علم**، شماره ۲

-کلهر، سینا (۱۳۸۸). **راهبردهای امنیت اجتماعی**، باشگاه اندیشه

-گلزاری، محمود. (۱۳۸۹). «امنیت روانی و اجتماعی در زمان حضرت ولیعصر (عج)» **ماهنامه ی موعود**



-ماندل، رایرگ (۱۳۸۷). «چهره متغیر امنیت ملی»، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

-مک کین لای، رابرت و ریچارد لیتل (۱۳۸۰). «امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه ها». اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-مولا زاده، حمید (۱۳۸۹). چگونگی تحقق امنیت روانی جامعه، روزنامه ی کیهان

-نبوی، سید عبدالحسین؛ علی حسین حسین زاده؛ حسینی، سیده هاجر (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، س ۲۱، ش ۴

-همایون مصباح، سید حسین (۱۳۸۴). «امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی»، فصلنامه ی پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره ۵۵

-یزدانی، عنایت الله؛ صادقی، زهرا (۱۳۸۹). «امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره های ۳۹ و ۴۰.

Navidniya M.A. (۲۰۰۶). Theoretical Consideration on Social Security; with Emphasis on Types of Security. Strategic Studies Quarterly ۳۱ (۹): ۵۳-۷۳. [In Persian]

